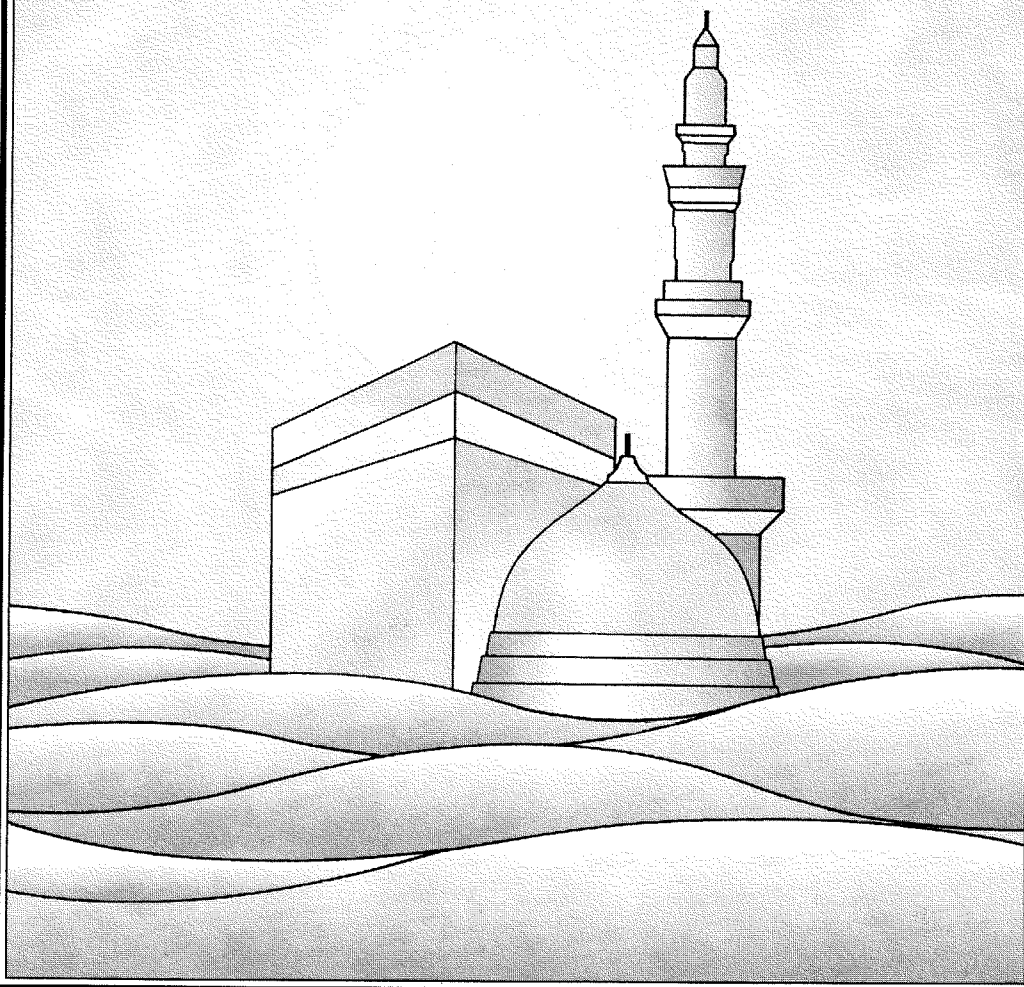


تاریخ و حصال



حمزه سیدالشهدا

و

حرم شریف آن حضرت



محمد صادق نجمی

می‌بردند، دلیرانه مقاومت نمود، نه با یک دست که با دو شمشیر و با هر دو دست از رسول خدا دفاع کرد و با سپر قرار دادن وجود خویش، حملات پیاپی دشمن را که متوجه جان آن حضرت بود، درهم شکست تا اینکه با فجیع‌ترین وضع به مقام ارجمند شهادت نایل شد و در تاریخ به عنوان یکی از بزرگترین سرداران و مجاهدی مقاوم از مجاهدان شجاع و با اخلاص و از مدافعان و شهدای نامی اسلام و به‌صورت عالیترین الگو و سرمشق متجلی گردید.

حمزه در قرآن مجید و در احادیث و روایات، مورد تقدیر و تجلیل فراوان قرار گرفته و مدال پرافتخار «سید الشهدا» از سوی رسول خدا نصیب او گردید و لقب

یکی از شخصیت‌های بزرگ در تاریخ اسلام، که در راه قرآن و دفاع از اسلام فداکاری و ایثار را به حدّ اعلی رسانید و در شرایطی که توحید در مقابل شرک و خداپرستی در مقابل بت‌پرستی قرار گرفته بود و پیامبر اسلام به یاران صدیق و حامیان مخلص و دلسوز نیازمند بود، به یاری‌اش شتافت، جناب حمزه بن عبدالمطلب بود که مانند امیرمؤمنان، علی علیه السلام در مقابل پرچم شرک، لوای توحید را برافراشت و تعهد و ایمان خویش را در صحنه‌های جنگ متجلی ساخت. او در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین وضعیت جنگ، که حتی بعضی از یاران نزدیک پیامبر معرکه را ترک کرده، به قلّه کوه‌ها و شیار درّه‌ها پناه



دفاع وی از مقام شامخ نبوت در سال‌های اول بعثت و پس از هجرت و شهادت مظلومانه و شجاعانه‌اش ایجاب می‌کرد که یاد او و ذکر فضایل و معرفی شخصیت او، به صورت بزرگترین و زیباترین الگو و سرمشق در منابع اسلامی منعکس و در رأس بیان فضایل سایر شخصیت‌های اسلامی؛ از اقوام و عشیره و صحابه رسول خدا قرار گیرد. لیکن مراجعه به منابع حدیثی و مجموعه‌های اولیه اهل سنت نشانگر این است که متأسفانه همان سعی و تلاش که از سوی خلفای اموی در کم رنگ کردن شخصیت امیرمؤمنان علیه السلام و تحقیر ابوطالب و عقیل بکار گرفته شده به علل و انگیزه‌های خاصی، درباره حضرت حمزه عمیق‌تر و در حذف شخصیت او قوی‌تر گردیده است.

به طوری که در بخش آخر این بحث ملاحظه خواهید کرد، پس از گذشت چهل سال از جنگ اُحد و در دوران خلافت معاویه و طبق دستور وی، تصمیم گرفته شد به بهانه حفر قنات در احد قبر حضرت حمزه را نبش و پیکر او را به نقطه دیگر منتقل نمایند و یاد و اثر او را به تدریج به فراموشی بسپارند ولی چون این تصمیم با شکست مواجه گردید، راه دیگری را

زیبای «اسدالله» و «اسدالرسول» بر او داده شد.

و ائمه هدی علیهم السلام با شخصیت و فداکاری او، در مقابل مخالفان مناظره و احتجاج و در میان پیروانشان مباحثات و افتخار نموده‌اند و در اثر ترغیب و تشویق رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زیارت قبر حضرت حمزه، قبر و حرم آن بزرگوار در طول تاریخ مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و زیارت او را مانند زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خود لازم دانستند و در ساختن حرم و گنبد و بارگاه بر روی قبر او، مانند حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به‌همدیگر سبقت می‌جستند و از این رو قبر شریف آن بزرگوار دارای مجموعه‌ای از حرم و رواق و گنبد و بارگاه بود که قدمت و پیشینه آن، به قرن‌های اول اسلام می‌رسید ولی نزدیک به یکصد سال قبل، این حرم شریف مانند سایر بقاع و حرمها در مدینه و مکه، به وسیله وهابیان تخریب گردید و اینک از این بقعه پاک، بجز یک قبر خاکی و ساده چیزی باقی نیست.

حذف فرهنگی:

شخصیت بارز حضرت حمزه سیدالشهدا، مجاهدت و فداکاری و حضور حماسی او در صحنه‌های جنگ، حمایت و

برگزیدند؛ یعنی مصمم به حذف فرهنگی آن بزرگوار از طریق به فراموشی سپردن فضایل او شدند و بدین‌وسیله هدف خویش را تأمین نمودند و بدینگونه، شخصیت آن بزرگوار در هاله‌ای از ابهام و در پشت ابرهای تاریخ و حدیث قرار گرفت.

این حرکت را در منابع دست اول و در مجموعه‌های حدیثی که محصول همان سیاست‌ها است و در عین حال صحیح‌ترین منابع تلقی می‌شود، می‌توان به وضوح مشاهده کرد و با مراجعه به صحاح و مسانید به این حقیقت تلخ پی برد:

برای نمونه دو کتاب مهم حدیثی «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را، که در رأس همه منابع حدیثی قرار گرفته‌اند، مطرح می‌کنیم:

بخشی از این دو کتاب را «کتاب الفضائل» و نقل مناقب اقوام و عشیره و اصحاب و یاران رسول خدا ﷺ به خود اختصاص داده و برای ذکر فضایل تک‌تک آنان باب مستقلی عنوان گردیده است:

در باب فضایل اقوام پیامبر ﷺ فضایل «عباس بن عبدالمطلب»، «جعفر بن ابی طالب»، «عبدالله بن جعفر» و فضایل «زبیر» پسر عمه رسول خدا ﷺ و

«ابوالعاص» داماد آن حضرت که در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از آزادی اسلام را (شاید هم برای دستیابی به همسرش زینب) پذیرفت، آمده است و باز در این بخش فضایل «سعد بن ابی وقاص» به عنوان اینکه او از قبیله «آمنه» مادر رسول خدا ﷺ و از اخوال و دایی‌های «قبیله‌ای» پیامبر محسوب است، ذکر گردیده ولی از حضرت «حمزه» محبوب‌ترین عموی رسول الله اسمی به‌میان نیامده است! و در بخش فضایل اصحاب برای بیان فضایل «عبدالله بن سلام»، «عبدالله بن عمر»، «ابوهریره»، «ابوموسی اشعری» و بالأخره برای بیان فضایل «ابوسفیان» و «معاویه» باب مستقلی عنوان گردیده ولی از بزرگترین صحابه پیامبر، مهاجر الی‌الله و مجاهد فی سبیل‌الله «حمزه سید الشهداء» یاد نشده است، گویی پیامبر اسلام نه عمویی به نام «حمزه» داشته و نه صحابه‌ای به نام «ابو عماره»!

و سایر صحاح و سنن نیز از این رویه پیروی کرده و در این مسیر حرکت نموده‌اند و هلم جزا...!

و بدینگونه با یکی دیگر از مظلومان تاریخ و حدیث آشنا می‌شویم که نه تنها



ولی در عین حال می‌توان با مراجعه به متون تفسیری و حدیثی و تاریخی، به مطالب ارزشمند و بجای مانده درباره آن حضرت دست یافت که خوانندگان ارجمند را با بخشی از فضایل آن بزرگوار آشنا و راه را برای کسانی که فرصت پیگیری و تحقیق بیشتری در این زمینه دارند هموار می‌سازد. با این مقدمه لازم است در این مختصر چهار موضوع به ترتیب زیر بحث و بررسی شود:

- ۱- حضرت حمزه از دیدگاه قرآن
- ۲- حضرت حمزه در کلام رسول خدا ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام
- ۳- حضرت حمزه در جنگ‌ها
- ۴- حرم حضرت حمزه در بستر تاریخ

نگاهی کوتاه به دوران زندگی

حضرت حمزه رضی الله عنه

حمزه بن عبدالمطلب ملقب به «سیدالشهدا»، «اسدالله» و «اسدالرسول» کنیه او ابوعمار و ابویعلی است. مادرش هاله دختر «وهیب» و دختر عموی «آمنه» بنت وهب، مادر رسول خدا ﷺ است. حضرت حمزه عموی پیامبر اسلام و برادر رضاعی او است؛ زیرا هر دو از پستان مادری بنام ثویبه شیر خورده‌اند.

شخصیت او در حدّ شخصیت دشمنان درجه یک اسلام، سردمداران کفر والحاد و سلسله‌جنبانان بدر و أحد معرفی نگردیده، بلکه برای موهون و مشوه ساختن او، مطالب ناروا و نابجایی، که دون شأن و مقام آن بزرگوار است، به ساحت مقدّسش نسبت داده شده که متأسفانه گهگاهی به تألیفات خودی‌ها نیز راه یافته است.

این نوع بینش و حق‌کشی برای ما، هم تکلیف‌آور است و هم مشکل‌زا!

تکلیف‌آور از آن جهت که این عملکرد ما را موظف می‌سازد برای دفاع از مظلومی بیا خیزیم و در کنار زدن پرده‌های تعصب و زدودن غبارهای ضخیم، که قرن‌ها بر آن گذشته است، تلاش کنیم و آن چهره تابناک و مظلوم را از پشت ابرهای تیره و تار به جامعه اسلامی مان بنمایانیم.

و اما مشکل‌زا است؛ زیرا که این حرکت موجب شده است که حقایق فراوانی در معرفی شخصیت آن حضرت از دسترس خارج و در لابلای حوادث تاریخی دفن شود و طبعاً در بدست آوردن بقایای ناچیز هم با مشکل مواجه گردیم و در نیل به مطلبی به‌جای مراجعه به مظان و جایگاه خود، به منابع دیگر و فصول مختلف مراجعه کنیم.

شجاعت حضرت حمزه در جنگ‌ها زباند خاص و عام و مورد تأیید دوست و دشمن است ولذا در جنگ بدر و اُحد وی با هر دو دست و با دو شمشیر می‌جنگید.

حضرت حمزه در میدان جنگ با نصب کردن «پیر شترمرغی» به سینه‌اش از دیگر فرماندهان و جنگجویان مشخص و برجسته بود و به همین جهت در جنگ بدر یکی از سران دشمن پس از آنکه به اسارت مسلمانان در آمد و چشمش به حمزه افتاد، پرسید: این کیست؟ گفتند: حمزه بن عبدالمطلب. وی با تعجب گفت «ذَلِكَ فَعَلَ بِنَا الْأَفَاعِيلَ» او بود که صفوف ما را تار و مار کرد و ما را به روز سیاه نشاندا!

حضرت حمزه در سال سوم هجرت در جنگ احد پس از کشتن سی و یک تن از سران دشمن به مقام ارجمند شهادت نایل گردید.

نگاهی از افق دیگر

خداوند متعال مجد و شرف نسب، توأم با عزت ایمان و دفاع از حریم اسلام را برای حمزه سید الشهداء برگزیده است؛ زیرا او فرزند بزرگترین شخصیت جزیره العرب و رییس مکه و قریش؛ یعنی عبدالمطلب^۱ بن هاشم بن عبد مناف بن قصی است و

حضرت حمزه، بنابر نظر مشهور دو سال از رسول خدا بزرگتر بود و بنا به گفته مشهور مورخان، او در سال دوم بعثت، اسلام را پذیرفته است.

بنا به نقل ابن اثیر و گروهی از مورخان، چون حمزه سیدالشهدا ایمان خویش را اظهار کرد، سردمداران قریش فهمیدند که پیامبر از این پس نیرومند شده و اسلام دارای مدافع قوی گردیده است و با گرویدن وی به اسلام، از طرحها و نقشه‌های زیادی که بر علیه اسلام و مسلمین ترسیم کرده بودند منصرف شدند. حضرت حمزه همزمان با هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه، هجرت نمود و در صف مهاجرین اولین قرار گرفت. او اولین فرمانده و پرچمدار اسلام است که از سوی رسول خدا در رأس گروهی از مسلمانان برای پاسخ‌گویی به حمله مشرکان، به محلی بنام «سیف البحر» اعزام گردید.

در جنگهای متعدد دیگر مانند بدر و احد شرکت نمود و در بدر امتحان سختی را از سرگذراند و از سران قریش چند نفر، از جمله شیبه بن ربیع و طعیمه بن عدی را به دست خود هلاک ساخت و در قتل یکی دیگر از مشرکان نامی؛ یعنی «عتبه بن ربیع» با امیر مؤمنان علیه السلام شرکت جست.



نسب حمزه نسب خاتم پیامبران است.

حمزه سیدالشهدا هم شریف است هم شرافت و کرامت را از پدر و اجداد خویش به ارث برده است. مادر حمزه، دختر عموی «آمنه» مادر رسول خدا است و او از طرف مادر نیز دارای نسبی است والا و شریف که پیامبر خاتم نشأت گرفته از نسب والا و خاندان اصیل است.

شرافتی دیگر: او هم عموی رسول الله ﷺ است هم برادر رضاعی او و پیامبر در میان او و زید بن حارثه^۲ پیمان اخوت بست.

و حمزه سید الشهداء از جهات متعدد بر دیگران تفوق یافت و صفات عالیه و اخلاق حسنه را از آن شجره اصیل و خاندان شریف به ارث برد.

و از جهت ایمان، او جزو سابقین در اسلام است و آنگاه به رسول خدا ایمان آورده است که فقط یکسال و اندی از بعثت آن حضرت می‌گذشت و تعداد مسلمانان از سی و نه مرد و بیست و سه زن تجاوز نمی‌کرد و آن روز اسلام دارای هیچ نفع مادی و دنیوی نبود. هر چه در باره اسلام پیش‌بینی می‌شد فشار و شکنجه بود و تحمل استهزا و آزار مشرکان، ولی برای حمزه در مقابل این آزارها و شکنجه‌ها جز

برای حق و دفاع از حریم اسلام نمی‌اندیشید. ﴿...يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا...﴾^۳.

وقبل از اسلام: حمزه از دوران کودکی برای پیامبر اسلام علاوه بر قرابت نزدیک و اینکه رسول خدا فرزند برادر حمزه بود، با آن حضرت صمیمی و رفیق شفیق و برادری دلسوز و مهربان به شمار می‌آمد؛ زیرا پیامبر خدا متولد گردید، عبدالمطلب بانویی به نام «ثویبه» را احضار کرد و بدو دستور داد همانگونه که به حمزه شیر داده است به محمد نیز شیر دهد و بدینگونه آن دو، با هم برادر رضاعی شدند.

حمزه و محمد دوران طفولیت را در خانه شیبة الحمد، عبدالمطلب سپری کردند و در میان این دو طفل الفت و صمیمیت عمیق حاکم گردید و محمد ﷺ در این دوران و دورانهای بعد به حمزه، نه تنها به عنوان عمو و عضوی از اعضای خانواده عبدالمطلب، بلکه به عنوان برادری که از یک پدر و مادر متولد شده‌اند می‌نگریست؛ زیرا پیامبر که در دوران جنینی پدر را از دست داده بود و همانند حمزه تحت کفالت و قیمومیت عبدالمطلب قرار گرفت و از این پس محمد و حمزه در زیر یک سقف و در کنار یک سفره و به صورت دو عضد و دو

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا
وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ^۵ می‌رسیم، حمزه بن
عبدالمطلب را در رأس این مؤمنان حقیقی
مشاهده می‌کنیم:

ایمان آوردن در وضعیت سخت، یاری
کردن و پناه دادن به رسول خدا در مقابل
دشمنان، آنگاه که همه مشرکان و دشمنان
بر علیه او بسیج شده بودند.

و باز چون به آیه شریفه ﴿لَا يَسْتَوِي
مَنْكُم مَّنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ
أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ
بَعْدُ وَقَاتَلُوا...﴾^۶ می‌رسیم حضرت حمزه
را در اول این صف از مؤمنان می‌بینیم که
قبل از فتح، جان خویش را در طبق اخلاص
گذاشت و با دشمنان به قتال و جهاد
پرداخت و به خیل اولین شهدای اسلام
پیوست؛ قتال و شهادتی که با مثله و قطعه
قطعه شدن اعضای بدنش توأم گشت و
علفهای بیابان بر پیکر خونینش کفن گردید.
و آیات متعدد دیگری که سیدالشهدا،
حمزه علیه السلام مصداق روشن و نمودار بارزی از
این آیات است.

ولی در قرآن مجید آیات متعدد
دیگری وجود دارد که طبق نظر مفسران و
محدثان و بر اساس مضمون روایات از

برادر در یک خانواده زندگی را ادامه دادند،
اخوت رضاعی، قرابت ذاتی، هم سن بودن،
در کنار هم زیستن و از عواطف عبدالمطلب
یکسان برخوردار بودن و ... عواملی بود که
علاقه و الفت آنها را نسبت به هم، روز به
روز عمیق‌تر و صمیمیت متقابل در میان
آنها را برای همیشه پی‌ریزی کرد.

در ازدواج رسول خدا: پیامبر صلی الله علیه و آله
وقتی قدم به بیست و پنج سالگی گذاشت،
تصمیم گرفت با «خدیجه بنت خویلد» آن
بانوی عاقله ازدواج کند، اینجا است که
حمزه به همراه برادرش ابوطالب^۴ به سوی
خانه «خویلد» حرکت می‌کند و در این
وصلت مبارک و ازدواج تاریخی جهان
بشریت، نقش خواستگاری را به عهده
می‌گیرد و در ایجاد شجره طیبه‌ای که
حاصل ازدواج رسول خدا با خدیجه است،
قدمهای اولیه را برمی‌دارد.

این بود دورنمایی از بخشی ارتباط که
در میان حمزه و رسول خدا بود و در قسم
سوم این بحث، با بخش دیگری از ارتباط و
علاقه در میان آنان آشنا خواهیم شد.

حضرت حمزه از دیدگاه قرآن:

در قرآن مجید چون به آیاتی مانند
آیه شریفه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا



دوم ولید، عتبه و شیبیه از سران قریش می‌باشند که در جنگ بدر مقابل هم قرار گرفتند.

در تفسیر فرات کوفی نزول آیه شریفه را از طریق سُدّی از رسول خدا ﷺ نقل و اضافه می‌کند که رسول خدا پس از نزول این آیه فرموده است:

«هُوَ لَئِ الثَّلَاثَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كَوَاسِطَةَ الْقَلَادَةِ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ لَئِ الثَّلَاثَةِ كَوَاسِطَةَ الْقَلَادَةِ فِي الْكُفَّارِ.»^{۱۴}

«در روز قیامت این سه تن در میان مؤمنان همانند مهره درشت گردن‌بند خواهند درخشید، همانگونه که این سه تن دیگر در میان کفار و مشرکین مانند مهره درشت گردن‌بند خواهند بود.»

۲- «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^{۱۵}

«در میان مؤمنان مردانی هستند که بر عهدی که با خدا بسته‌اند، صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و گروهی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.»

أئمة هدی ﷺ بخصوص درباره حضرت حمزه سیدالشهدا نازل شده و خداوند سبحان در این سند آسمانی و از طریق وحی بر ایمان و پایداری او در دفاع از اسلام مهر تأیید زده و استقبال او از شهادت در راه خدا را ستوده است که در این زمینه به نقل شش آیه بسنده می‌کنیم:

۱- «هَذَا نِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ»^۷

«اینان دو گروهند که در باره پروردگارشان به خصامه و جدال پرداختند، کسانی که کافر شدند، لباسهایی از آتش برای آنها بریده شده و مایع سوزان و جوشان بر سرشان ریخته می‌شود.»

در صحیح بخاری^۸ و صحیح مسلم^۹ و سنن ترمذی^{۱۰} و ابن ماجه^{۱۱} و منابع دیگر از اهل سنت و شیعه^{۱۲} آمده که حضرت ابوذر رضی الله عنه فرموده است: این آیه در باره دو گروه؛ گروهی حامی و مدافع سرسخت اسلام و گروه دیگر دشمن کینه‌توز و سرسخت اسلام نازل گردیده است. گروه اول امیرمؤمنان و حمزه و عبیده^{۱۳} و گروه

بودند؛ علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده و سه نفر مشرک مفسد؛ عتبه و شیبه و ولید بن عتبه نازل گردیده است. ابن عباس اضافه می‌کند این دو گروه بودند که در جنگ بدر با هم به مبارزه برخاستند؛ علی علیه السلام ولید را کشت، حمزه عتبه را و عبیده شیبه را.^{۱۹}

۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^{۲۰}

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.»

مرحوم طبرسی در باره مصداق «صادقین» که در پایان آیه شریفه آمده است، چند احتمال ذکر نموده و می‌گوید: و گفته شده است که منظور از صادقین در این آیه همان افرادی است که خداوند در آیه دیگر از آنها یاد کرده و فرموده است: «رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ...» یعنی حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب و «وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ» یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام.^{۲۱}

۵- «وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

در تفسیر قمی ابن ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که این آیه در باره حمزه و جعفر و علی علیه السلام نازل گردیده است. منظور از «مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ» حمزه و جعفر و منظور از «مَن يَنْتَظِرُ» علی بن ابی طالب است.^{۱۶} ابن حجر مکی نقل می‌کند امیرمؤمنان علیه السلام در کوفه بر فراز منبر بود که از ایشان درباره این آیه پرسیدند. حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ غُفْرًا» این آیه در باره من و عمویم حمزه و پسر عمویم عبیده نازل شده است که عبیده در بدر و حمزه در أحد به شهادت رسیدند و اما من منتظر شقی‌ترین این ائمتم تا محاسنم را از خون سرم خضاب کند. این پیمانی است که حبیبم ابوالقاسم علیه السلام از آن خبر داده است.^{۱۷}

۳- «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»^{۱۸}

«آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، همچون مفسدان در زمین قرار دهیم یا پرهیزکاران را همچون کافران؟!»

در تفسیر فرات کوفی از ابن عباس نقل می‌کند که این آیه در باره سه تن از مؤمنان متقی که عمل صالح انجام داده



جهاد می‌کند.»

حسین بن سعید از ابن عباس نقل می‌کند که این آیه در باره بنی‌هاشم نازل گردیده که از آنها است حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث. ابن عباس می‌افزاید: درباره آنها این آیه نیز نازل گردیده است؛ ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...﴾^{۲۵}

حضرت حمزه در حدیث رسول خدا ﷺ

اینک به بیان بخشی از فضایل حضرت حمزه می‌پردازیم که از زبان رسول خدا ﷺ نقل شده و به دست ما رسیده است، و با بخشی دیگر، در صفحات آینده و به مناسبت‌های مختلف آشنا خواهیم شد.

۱ - حمزه، سید همه شهدا، جز انبیا و اوصیا است:

شیخ المحدثین صدوق رحمته الله در ضمن حدیث مفصلی، با اسناد به حضرت سلمان، نقل می‌کند:

«در ایام مریضی رسول خدا ﷺ که به ارتحال آن بزرگوار منتهی گردید، در کنار بستر آن حضرت بودم که فاطمه زهرا رضی الله عنها

وَحَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا﴾^{۲۲}

«و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنان تمام کرده؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان، و آنها رفیق‌های خوبی هستند.»

شیخ طوسی از انس بن مالک نقل می‌کند که روزی با رسول خدا ﷺ نماز صبح را بجای آوردیم، آن حضرت پس از نماز رو به ما نشست، من عرض کردم: ای فرستاده خدا، اگر صلاح بدانید تفسیر این آیه ﴿وَمَنْ يُطِيعُ اللَّهَ...﴾ را بیان کنید. پیامبر فرمود: مصداق «نَبِئِينَ» من هستم و مصداق «صِدِّيقِينَ» برادرم علی است و مصداق «شهداء» عمویم حمزه و اما مصداق «صالحان» دخترم فاطمه و دو فرزندش حسن و حسین می‌باشند.^{۲۳}

۶ - ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...﴾^{۲۴}

«کسانی که امید به دیدار و لقای پروردگار و رستاخیز دارند، (در اطاعت او می‌کوشند) زیرا سر آمدی که خدا تعیین کرده، فرا می‌رسد. و کسی که (در راه خدا) جهاد و تلاش می‌کند برای خود

وارد شد، وقتی ضعف شدید را در پدر بزرگوارش دید، اشک به صورتش جاری گردید. رسول خدا برای تسلی و آرامش دخترش، از عنایات و برکات خداوند بر اهل بیت سخن گفت و بخشی از نعمت‌های خدا را، که بر این خاندان ارزانی داشته است، بر شمرد تا بدینجا رسید که: ... دخترم! ما اهل بیتی هستیم که خداوند شش صفت و ویژگی را بر ما عطا کرده است که بر هیچیک از گذشتگان و آیندگان عطا ننموده است؛ زیرا پیامبر ما سید انبیا و مرسلین است و آن پدر تو است و وصی ما سید اوصیا است و آن همسر تو است و شهید ما سیدالشهدا است و آن حمزه بن عبدالمطلب عموی پدر تو است.

فاطمه علیها السلام گفت: ای فرستاده خدا، آیا او فقط سید شهیدانی است که با وی به شهادت رسیده‌اند؟

پیامبر فرمود: نه، بلکه او سید شهدای اولین و آخرین، بجز انبیا و اوصیا است.^{۲۶} با توجه به مضمون این حدیث، معلوم می‌شود که هم حضرت حمزه و هم حضرت حسین بن علی علیهما السلام برای همیشه، از افتخار «سیدالشهدا» بودن برخوردارند. و این لقب برای همیشه به آن دو بزرگوار اطلاق می‌گردد؛ با این تفاوت که حسین بن علی

حتی نسبت به حضرت حمزه هم سید و سرور است ولی حضرت حمزه سید است نسبت به سایر شهدا.

۲- حضرت حمزه از سروران اهل بهشت است:

شیخ صدوق همچنین از انس بن مالک نقل می‌کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما فرزندان عبدالمطلب، سروران اهل بهشتیم. رسول الله، حمزه سیدالشهدا، جعفر ذوالجناحین، علی، فاطمه، حسن، حسین و مهدی علیهم السلام.^{۲۷}

۳- حضرت حمزه، محبوب‌ترین عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله:

صدوق رحمته الله از امام صادق علیه السلام و آن بزرگوار از جدش رسول خدا نقل می‌کند که فرمود:

«أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَبُّ أَعْمَامِي إِلَيَّ حَمْزَةُ».^{۲۸}

«محبوب‌ترین برادرانم علی بن ابی طالب و محبوب‌ترین عموهایم حمزه است.»

۴- حمزه محبوب‌ترین نامها در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله:

کلینی رحمته الله از امام صادق علیه السلام نقل کرده



است که:

«جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وُلِدَ لِي غَلامٌ فَمَازَا أُسَمِّيهِ؟ قَالَ: سَمِّهِ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيَّ؛ حَمْزَةً».^{۲۹}

«شخصی محضر رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: ای فرستاده خدا، فرزند ذکوری برایم متولد شده است، چه نامی بر وی نهم؟ فرمود: او را «حمزه» نام بگذار که محبوب‌ترین نامها در نزد من است.»

۵- حمزه یکی از چهار راکب در قیامت:

مرحوم صدوق رحمته در ضمن حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می‌کند:

«و ما في القيامة راکبٌ غيرنا وَ نَحْنُ أربعةٌ فَقام إِلَيهِ العَبَّاسُ بن عبدالمطلب، فقال: مَنْ هُمْ يا رسول الله؟ فقال: اَمّا أنا فَعلی البَراق ... وَ عَمِّي حمزة بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسوله سيد الشهداء عَلی ناقتي الغضباء... وَ أخي عَلِيّ، عَلی ناقة من نواق الجنة».^{۳۰}

«در قیامت همه پیاده هستند بجز ما چهار تن. عباس بن عبدالمطلب عرض کرد: ای

رسول خدا، آن چهار تن کدامند؟ فرمود: اما من سوار بر براق خواهم بود... و عمویم حمزه بن عبدالمطلب اسدالله و اسد رسول و سید شهدا بر شتر غضبای من سوار خواهد شد. و برادرم علی بر شتری از شتران بهشتی.»

۶- حضرت حمزه انجام دهنده نیکی‌ها و بجا آورنده صلۀ رحم:

ابن حجر عسقلانی نقل می‌کند که: رسول خدا چون در کنار جسد مثله شده عمویش حمزه نشست، خطاب به وی چنین فرمود:

«رَحِمَكَ اللهُ أَيَّ عَمٍّ، لَقَدْ كُنْتَ وَصُولاً لِلرَّحِمِ فَعُولاً لِلْخَيْرَاتِ».^{۳۱}

«ای عموا خدای رحمت کند تو را، که در صلۀ رحم و انجام دادن کارهای نیک فعال و کوشا بودی.»

و این توصیف از زبان رسول خدا و معرفی حضرت حمزه به عنوان «وَصُول» و «رَحِم» و «فَعُول خیرات» امتیازی است که اختصاص به آن حضرت دارد.

۷- حضرت حمزه شفیع در روز قیامت:

در حدیث مفصّلی که امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده، آن حضرت،

درباره حضرت حمزه می‌فرماید:

«أَمَا إِنَّ حَمْزَةَ عَمِّي يُنَحِّي جَهَنَّمَ مِنْ
مُحْيِيهِ» ۳۲

«همانا در قیامت عمویم حمزه
جهنم را از دستدارانش دور خواهد
کرد.»

۸- در پایه عرش نوشته شده است: «حمزه
اسدالله» و ...

در بصائرالدرجات در حدیثی از امام
باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن
حضرت در باره تعداد انبیا و تعداد اولوالعزم
از آنان و اینکه هر پیامبری دارای وصی
بوده، سخن گفته و آنگاه به خصوصیات
خود و خاندانش اشاره می‌کند و در ضمن آن
می‌فرماید:

«وَعَلَى قَائِمَةِ الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ: حَمْزَةُ
اسدالله و اسد رسوله و سید
الشهداء» ۳۳

۹- حضرت حمزه در دعای
رسول خدا صلی الله علیه و آله:

ابن ابی الحدید نقل می‌کند ۳۴ که در
جنگ خندق چون امیرمؤمنان علیه السلام با
عمروبن عبدود مواجه شدند و مبارزه آنان

آغاز گردید، پیامبر صلی الله علیه و آله رو به آسمان کرد و
دستانش را بالا گرفت و این دعا را مکرر
خواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَخَذْتَ مِنِّي عُيْبَةَ يَوْمِ
بَدْرٍ وَ حَمْزَةَ يَوْمِ أُحُدٍ فَاحْفَظْ عَلَيَّ
الْيَوْمَ عَلِيًّا ﴿... رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا
وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾» ۳۵

«خدایا! پسر عمویم عیبده را در جنگ
بدر و عمویم حمزه را در جنگ احد از
من گرفتی پس امروز علی را برایم
نگهدار! خدایا! مرا تنها نگذار، و انت
خیر الوارثین.»

۱۰- حضرت حمزه افضل شهدا است:

شیخ مفید از ابو ایوب انصاری نقل
می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت
فاطمه علیها السلام چنین فرمود:

«شهِدْنَا أَفْضَلَ الشُّهَدَاءِ وَ هُوَ عَمَّكَ
وَ مِنَّا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ جِنَاحَيْنِ
يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ ابْنُ
عَمِّكَ» ۳۶

«شهاد ما افضل شهدا است و آن عمومی
تو و از خاندان ما است؛ کسی که خداوند
بر وی دو بال عنایت فرموده که در میان
فرشتگان پرواز می‌کند و آن پسر عمومی
تو است.»



«خداوند در میان خاندان ما هفت نفر خلق کرد که در روی زمین مانند آنها را نیافریده است. آنگاه در معرفی این هفت تن چنین فرمود: از ما است رسول خدا که سید اولین و آخرین و خاتم پیامبران است. و از ما است وصی او که بهترین اوصیا است و دوسبطش حسن و حسین که بهترین اسباطند و عمویش سید الشهداء و جعفر که به همراه فرشتگان پرواز می‌کند و قائم عَج.»

۲- حضرت حمزه در احتجاج امیرمؤمنان در شورای شش نفری:

عمر بن خطاب هنگام مرگش خلافت را به شورای شش نفری، متشکل از امیرمؤمنان، عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، عبدالرحمان عوف و سعد بن ابی وقاص محول نمود و دستور داد پس از مرگ وی این شش نفر در خانه‌ای برای تعیین خلیفه جمع شوند و با وی بیعت کنند، به طوری که اگر چهار نفر با یکی از آنان بیعت کرد و تنها یک نفر امتناع ورزید، گردن او را بزنند و اگر دو نفر امتناع کرد گردن آن دو نفر را بزنند و زمینه را طوری فراهم نمود که با عثمان بن عفان بیعت نمودند. در این جلسه امیرمؤمنان سخنانی ایراد کرد و خصوصیات خانواده‌اش را برای اتمام حجت برشمرد تا

حضرت حمزه در گفتار ائمه

اینک به نقل و بیان گفتار ائمه هدی^{علیهم‌السلام} در این زمینه می‌پردازیم و سخن آن بزرگواران را که همانند حدیث پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در بیان شخصیت حضرت حمزه به عنوان یکی از افتخارات از خاندان نبوت و در کنار شخصیت وجود مقدس رسول الله و امیرمؤمنان و حسنین و حضرت مهدی^{علیهم‌السلام} عنوان گردیده است، در اختیار خواننده ارجمند قرار می‌دهیم:

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج امیرمؤمنان^{علیه‌السلام}

۱- حمیری^{۳۷} در قرب الإسناد آورده است که امیرمؤمنان^{علیه‌السلام} فرمود:

«مَنْ سَبَعَهُ خَلَقَهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَخْلُقْ فِي الْأَرْضِ مِثْلَهُمْ؛ مِثْلًا رَسُولَ اللهِ ﷺ سَيِّدَ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ، خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيَّهَ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَ سِبْطَاهُ خَيْرِ الْأَسْبَاطِ؛ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا وَ سَيِّدَ الشَّهَدَاءِ حَمْزَةَ عَمَّةٍ وَ مَنْ قَدِ كَانَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ جَعْفَرَ وَ الْقَائِمَ عَج.»^{۳۸}

و بهترین هر امت پس از پیامبرشان وصی آن پیامبر است تا پیامبر دیگری مبعوث شود، پس بهترین همه اوصیا وصی محمد است (علیه و آله السلام).

آنگاه فرمود: آگاه باشید که افضل خلق بعد از اوصیا، شهدا هستند و افضل همه شهدا

حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب است که دارای دو بال رنگین است. و

این دو بال از این امت به کسی جز وی داده نشد و خداوند به وسیله او به

محمد کرامت و شرافت بخشید و دیگر دو سبط پیامبر حسن و حسین و دیگری

مهدی است که او را از خاندان ما انتخاب می‌کند. آنگاه این آیه را خواند: ﴿وَمَنْ

يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ

عَلِيمًا﴾.^{۴۱}

امیر مؤمنان علیه السلام در این بیان، حضرت حمزه را در فضیلت و منزلت در روز قیامت

در ردیف پیامبر و امیر مؤمنان و حسنین و حضرت مهدی (عج) قرار داده و با خواندن

آیه شریفه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ...» او را از مصادیق شهدایی که قرآن مجید از آنان یاد

نموده، معرفی کرده است.^{۴۲}

اینکه فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا در میان شما بجز من کسی هست که عمویش سید الشهدا باشد؟ گفتند: نه. (نشدتکم بالله هل فیکم احدٌ عمُّه سید

الشهداء غیري؟! قالوا: لا).^{۳۹}

۳- حضرت حمزه در احتجاج امیر مؤمنان

در بصره:

مرحوم کلینی^{۴۰} از اصغ بن نباته نقل

می‌کند: روزی که در بصره امیر مؤمنان علیه السلام بر لشکر طلحه و زبیر پیروز گردید، در حالی که

به شتر مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بود در معرفی خود و خاندانش خطاب به مردم

چنین فرمود:

«آیا می‌خواهید بهترین خلق در

قیامت را برای شما معرفی کنم؟ ابویوب انصاری گفت: آری، ای امیر مؤمنان معرفی

کن، زیرا تو همیشه شاهد و حاضر بودی و ما غایب. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: بهترین

مردم در روز قیامت هفت نفر از فرزندان عبدالمطلب خواهند بود که انکار نمی‌کند

فضیلت آنها را مگر کافر. در اینجا عمار عرض کرد: ای امیر مؤمنان، آنها را بنام

معرفی کن، فرمود: روزی که خدا مردم را در یک وادی جمع می‌کند، بهترین آنها

پیامبرانند و افضل پیامبران محمد صلی الله علیه و آله است



فضل خداوند می‌باشند، اما هنگامی که شهید ما (حمزه) شربت شهادت نوشید به او گفته شد «سیدالشهدا» و رسول الله هنگام نماز بر وی (بجای پنج تکبیر) هفتاد تکبیر گفت... چگونه این دو خاندان با هم برابر است در حالی که پیامبر (محمد) از ما است و تکذیب کننده او (ابوجهل) از شما.

اسدالله (حمزه) از ما است و اسدالأحلاف؛ یعنی ابوسفیان سرکرده و سامان دهنده احزاب برای جنگ با پیامبر از شما. دو سید و اقای جوانان بهشت (حسن و حسین) از مایند و کودکان آتش (فرزندان مروان یا عقبه بن ابی معیط) از شما. بهترین زنان جهان (فاطمه) از ما است و حمالة الحطب (همسر ابولهب) از شما...»

۵- حضرت حمزه در احتجاج

امیر مؤمنان علیه السلام با دانشمند یهودی:

در روایت مشروحی که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از پدران خود از حضرت حسین بن علی علیه السلام نقل کرده، چنین آمده است:

یکی از دانشمندان یهود، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه در جلسه‌ای که گروهی از صحابه؛ از جمله امیر مؤمنان علیه السلام

۴- حضرت حمزه در احتجاج امیر

مؤمنان علیهم السلام با معاویه:

امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ نامه‌ای که معاویه به آن حضرت نوشته بود، در معرفی خاندان خود و بیان نقاط ضعف خاندان معاویه، به نکاتی اشاره می‌کند و حضرت حمزه را همانند حسنین، «سیدی شباب أهل الجنة»، از امتیازات این خاندان می‌شمارد و می‌فرماید:

«أَلَا تَرَىٰ غَيْرَ مُخْبِرٍ لَّكَ، وَلَكِنْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ أُحَدِّثُ أَنَّ قَوْمًا اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَىٰ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، وَلِكُلِّ فَضْلٍ، حَتَّىٰ إِذَا اسْتَشْهَدَ شَهِيدُنَا قِيلَ: سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ، وَخَصَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِسَبْعِينَ تَكْبِيرَةً عِنْدَ صَلَاتِهِ عَلَيْهِ... وَ أَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَمِنَّا النَّبِيُّ وَمِنكُمْ الْمُكَذَّبُ، وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَمِنكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ، وَمِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمِنكُمْ صَبِيَّةُ النَّارِ وَمِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَمِنكُمْ حَمَالَةُ الْحَطَبِ...» ۴۳

«مگر نمی‌بینی - نه اینکه بخواهم خبرت دهم بلکه به عنوان شکر و سپاسگزاری نعمت خداوند می‌گویم - جمعیتی از مهاجران و انصار در راه خدا شربت شهادت نوشیدند و همه آنان مشمول

حضور داشتند، شرکت نمود و در تفضیل حضرت ابراهیم علیه السلام و بعضی انبیای گذشته بر پیامبر اسلام، به صورت مناظره دلایلی ذکر کرد و امیر مؤمنان علیه السلام به یکایک دلایل او پاسخ گفت؛ از جمله مسائلی که آن دانشمند مطرح نمود این بود که:

«فانّ هذا ابراهيم قد اضعج وكدّه و تلّه للجبین...»

«این ابراهیم بود که فرزند خود اسماعیل را برای اجرای امر خداوند بر زمین انداخت و صورت دلبندهش را به روی خاک گذاشت و آماده ذبح او گردید، ولی در پیامبر شما چنین حرکتی وجود نداشته است.»

امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ وی فرموده:

«لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ وَ لَقَدْ أُعْطِيَ إِبْرَاهِيمَ بَعْدَ الْأَضْجَاعِ الْفِدَاءَ وَ مُحَمَّدٌ أُصِيبَ بِأَفْجَعِ مِنْهُ فَجِيعَةً أَنَّهُ وَقَفَ عَلَى عَمِّهِ حَمْزَةَ اسدالله وَ اسدالرسول وَ ناصر دینه وَ قد فرّق بين روحه وَ جسده فلم يبين عليه حرقةً وَ لم يفيض عليه عبرةً وَ لم ينظر الى موضعه من قلبه وَ قلوب اهل بيته ليرضى الله عزّوجلّ بعبده وَ يَسْتَلِمَ لِأمره في جميع الفعال وَ قال: لولا أن تحزن صفةً لتركته

حتّى يحشر من بطون السّباع وَ حواصل الطّير لولا أن يكون سنةً بعدى لفعلت ذلك».

«این مطلب را که در باره حضرت ابراهیم گفتی صحیح است، ولی خداوند برای جبران این ناراحتی، بلافاصله فدیّه و عوض (گوسفند بهشتی) را بر وی فرو فرستاد. اما محمد صلی الله علیه و آله بر مصیبتی بالاتر از آن مبتلا گردید؛ زیرا در کنار جسد بی‌روح و مثله شده عمویش و ناصر یاور دینش، حمزه اسدالله و اسدالرسول قرار گرفت ولی برای جلب رضای خداوند و تسلیم امر او صبر و شکیبایی را در پیش گرفت، نه اظهار ناراحتی کرد و نه اشکی جاری ساخت و نه به جایگاه و محبوبیت حمزه که در دل پیامبر و خاندانش از آن برخوردار بود، توجه نمود و چنین فرمود: اگر نبود حزن و اندوه صفیه و اینکه پس از من مردم از این روش پیروی کنند، پیکر حمزه را دفن نمی‌کردم تا از شکم درندگان و پرندگان محشور شود.»^{۴۴}

حضرت حمزه در احتجاج امام حسن مجتبی علیه السلام:

شیخ طوسی رحمته الله از امام صادق از پدر ارجمندش امام باقر و او از امام سجّاد علیه السلام



رسول خدا بود و باز رسول خدا از میان همه شهدا که با حمزه به شهادت رسیده بودند، تنها بر پیکر او هفتاد بار نماز خواند.»^{۴۵}

حضرت حمزه در احتجاج حسین بن علی علیه السلام:

حسین بن علی علیه السلام در صبح عاشورا، پس از تنظیم صفوف لشکر خویش، بر اسب سوار شد و در برابر دشمن قرار گرفت و با صدای بلند و رسا، خطاب به افراد لشکر عمر سعد، سخنان مفصلی ایراد کرد و با آنان اتمام حجت نمود و در ضمن این بیانات، چنین گفت:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَنْسِبُونِي مِنْ أَنَا ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِكُمْ وَعَاتِبُواهَا وَانظُرُوا هَلْ يَحِلُّ لَكُمْ قَتْلِي وَانْتِهَاكَ حَرَمْتِي؟! أَلَسْتُ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكُمْ وَابْنَ وَصِيِّهِ وَابْنَ عَمِّهِ وَوَلِّدِ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ وَالْمُصَدِّقَ لِرَسُولِهِ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ؟ أَوْ لَيْسَ حَمْزَةُ سَيِّدَ الشَّهَدَاءِ عَمِّي أَبِي أَوْ لَيْسَ حُمْزَةُ حَفِيفِ الطَّيَّارِ عَمِّي أَوْ لَمْ يَبْلُغْكُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ لِي وَأَخِي هَذَا نِشَابَ أَهْلِ الْجَنَّةِ...»^{۴۶}

«مردم! بگوئید من چه کسی هستم، سپس به خود آییند و خویشان را ملامت

نقل می‌کند که: امام حسن مجتبی علیه السلام در یک محاجّه و مناظره با معاویه چنین فرمود:

«... قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فِيمَا احْتَجَّ عَلِيٌّ مَعَاوِيَةَ: وَكَانَ مِمَّنْ اسْتَجَابَ الرَّسُولَ اللَّهُ ﷺ عَمَّهُ حَمْزَةُ وَابْنَ عَمِّهِ جَعْفَرَ فَقَتَلَا شَهِيدَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فِي قِتْلِي كَثِيرَةً مَعَهُمَا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَجَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى حَمْزَةَ سَيِّدَ الشَّهَدَاءِ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَ لَجَعْفَرَ جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ كَيْفَ يَشَاءُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَذَلِكَ لِمَكَانَهُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَنَزَلْتَهُمَا وَقَرَّبْتَهُمَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ وَصَلَّى عَلَيَّ حَمْزَةُ سَبْعِينَ صَلَاةً مِنْ بَيْنِ الشَّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا مَعَهُ».

«و از کسانی که دعوت رسول خدا را اجابت کردند، عمویش حمزه و پسر عمویش جعفر بود که هر دو به همراه گروهی از اصحاب پیامبر شربت شهادت نوشیدند اما خداوند از میان همه آنان حمزه را به عنوان «سیدالشهدا» معرفی کرد و برای جعفر دو بال عنایت فرمود که آزادانه در میان فرشتگان پرواز می‌کند و این دو امتیاز برای این دو شهید به جهت موقعیت «معنوی» و قربت آنها نسبت به

لیوم الحسین علیه السلام اذ دلف الیه ثلثون
ألف رجل یزعمون أنهم من هذه
الأمّة کلّ یتقرّب إلى الله عزّ و جلّ
بدمه...»

«روزی علی بن الحسین علیه السلام عبیدالله فرزند
عباس بن علی را دید و اشک در چشم آن
بزرگوار حلقه زد، آنگاه فرمود: برای
پیامبر روزی سخت تر از جنگ احد پیش
نیامد؛ زیرا در آن روز بود که عموی
حمزه بن عبدالمطلب، اسدالله و
اسدالرسول شربت شهادت نوشید و پس
از احد سخت ترین روز برای آن
حضرت جنگ موته بود که پسر عموی
جعفر بن ابی طالب را شهید کردند. و
سخت تر از روز حسین علیه السلام پیش نیامده؛
زیرا سی هزار نفر آن بزرگوار را احاطه
کرده بودند که همه آنها خود را جزو امت
پیامبر صلی الله علیه و آله تصور می کردند و همه آنها با
ریختن خون فرزند همان پیامبر به
پیشگاه خدا تقرّب می جستند...»^{۴۷}

۲- تعصّبیکه پاداش آن بهشت است:
کلینی رحمته الله علیه از حبیب بن ثابت نقل می کند
که امام سجاده علیه السلام فرمود:

«لم یدخل الجنّة حمیّة غیر حمیّة
حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حين
اسلم غضباً للّبی فی حدیث السلا

کنید و ببینید آیا قتل من و شکستن
حرمتم برای شما جایز است؟ آیا من
فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ آیا من
فرزند وصی و پسر عموی پیامبر شما
نیستم؟ مگر من فرزند کسی نیستم که
پیش از همه به خدا ایمان آورد و پیش از
همه رسالت پیامبر را تصدیق کرد؟
آنگاه فرمود: آیا حمزه سید الشهداء
عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیار
عموی من نیست؟ آیا شما سخن پیامبر
را در حق من و برادرم نشنیده اید که
فرمود: این دو، سروران جوانان بهشت
هستند؟...»

حضرت حمزه در گفتار و احتجاج علی بن

الحسین علیه السلام:

۱- صدوق علیه السلام از ثابت بن ابی صفیه
نقل می کند:

«نظر علی بن الحسین سیّد
العابدین علیه السلام الی عبیدالله بن عبّاس بن
علی بن ابی طالب علیه السلام فاستعبر ثمّ قال:
ما من یوم أشدّ علی رسول الله من
یوم أحد قُتلَ فیهِ عمّه حمزه بن
عبدالمطلب اسدالله و اسد رسوله و
بعده یوم موته قتل فیهِ ابن عمّه
جعفر بن ابی طالب، ثمّ قال و لا یوم



وی می‌نویسد: در این مجلس حساس، پس از آنکه علی بن الحسین بر عرشه منبر قرار گرفت و حمد و ثنای پروردگار را بجای آورد، چنین فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفَضْلَنَا
بِسَبْعِ، اعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَ
السَّمَاةَ وَالْفَصَاحَةَ وَالشُّجَاعَةَ وَ
الْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَضْلَنَا
بَأَنَّ مَنَا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا ﷺ وَ
مَنَا الصِّدِّيقَ وَمَنَا الطَّيَّارَ وَمَنَا اسدالله
وَ اسدالرسولَ وَمَنَا سَيِّدَةَ نَسَاءِ
الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ الْبَتُولَ ٤٩ وَ مَنَا سَبِطًا
هَذِهِ الْأُمَّةَ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ...» ٥٠

حضرت حمزه در کلام امام صادق علیه السلام:
عیاشی از حسین بن حمزه نقل می‌کند
که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که
می‌فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار جسد
مثله شده حضرت حمزه قرار گرفت، چنین
گفت:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالْبِيكُ الْمَشْتَكِي وَ
أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا أَرَى.»

سپس فرمود: اگر من هم پیروز شوم
از مشرکان چند برابر مثله خواهم کرد! در

الَّذِي أَلْقَى عَلَى النَّبِيِّ ﷺ». ٤٨

«هیچ تعصبی صاحب خود را داخل
بهشت نکرد، جز تعصب حمزه بن
عبدالمطلب، آنگاه که بچه‌دان شتری به
وسیله مشرکین مکه به سر و صورت
پیامبر انداخته شد و حمزه برای دفاع
از آن حضرت و دفع شر دشمنان، اسلام
را پذیرفت.»

مشروح این جریان در بخش آینده، از
نظر خوانندگان خواهد گذشت.

٣- حضرت حمزه در محاجه امام

سجاد علیه السلام:

یکی از خطبه‌های تاریخی و مهیج و
انقلابی که به وسیله امام سجاد علیه السلام ایراد
گردیده و در منابع تاریخی ثبت شده است،
خطبه‌ای است که آن حضرت پس از حادثه
عاشورا و به هنگام اسارت اهل بیت
پیامبر صلی الله علیه و آله در شام و در مسجد جامع این
شهر ایراد کرد؛ جلسه‌ای که انبوه شرکت
کنندگان در نماز جمعه و از جمله شخص
یزید بن معاویه و درباریان وی، در آن
شرکت داشتند.

در این مقاله، به نقل یک فراز از آن
خطبه مهم، که محل شاهد ما است بسنده
می‌کنیم و آن را از مقتل خوارزمی (متوفای
۵۶۸) می‌آوریم:

اینجا بود که این آیه شریفه نازل شد: ﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾.^{۵۱}

امام صادق فرمود پیامبر ﷺ با نزول این آیه فرمود: «أَصْبِرْ، أَصْبِرْ»؛ «من هم صبر خواهم کرد».^{۵۲}

حضرت حمزه در احتجاج محمد حنفیه: صدوق رضی الله عنه از زرین نقل می‌کند که از محمد بن حنفیه رضی الله عنه شنیدم که چنین می‌گفت:

«فينا ستّ خصال، لم تكن في أحدٍ ممن كان قبلنا و لا تكون في أحدٍ بعدنا، متّا محمد سيّد المرسلين و عليّ سيّد الوصيين و حمزة سيّد الشهداء و الحسن و الحسين سيّد شباب أهل الجنة و جعفر بن أبي طالب المزين بالجناحين يطيرُ بهما في الجنة حيث يشاء و مهديّ هذه الأمة الذي يصليّ خلفه عيسى بن مريم».^{۵۳}

حضرت حمزه در احتجاج شيخ مفيد رضی الله عنه شيخ مفيد رضی الله عنه می‌گوید: گروهی از جوانان شیعه برای تعلّم و فراگیری مطالب کلامی، در پای درس من حاضر می‌شدند،

روزی یکی از آنها گفت: حضرت استاد! روز گذشته در جلسه‌ای بودم که طبرانی، دانشمند زیدی مذهب نیز حضور داشت. او در چند مطلب بر ما شیعه اشکال و اعتراض کرد که من پاسخ قانع کننده‌ای نداشتم؛ از جمله اشکالات وی این بود که: شما شیعیان به بعضی از عقاید و اعمالی که سنتی‌های حنبلی مذهب دارند انتقاد و اعتراض می‌کنید، در حالی که در موارد متعدد با آنان هم عقیده بوده و مانند آنان عمل می‌کنید. و چند مورد را اینگونه برشمرد: زیارت قبور اولیا، عبادت کردن در نزد آن قبور و ...

شيخ مفيد می‌فرماید: به آن شاگرد گفتم: نزد طبرانی برو و پاسخ پرسشهای او را همانگونه که من توضیح می‌دهم با او در میان بگذار.

شيخ مفيد به یکایک پرسشهای طبرانی پاسخ مشروح داد تا به پرسش در باره زیارت قبور اولیا رسید و گفت:

به طبرانی بگو که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال حیات خویش، هم به مسلمانان دستور داد که قبر حضرت حمزه را زیارت کنند و هم خود به زیارت قبر عمویش و سایر شهدا می‌پرداخت و همچنین دخترش فاطمه زهرا رضی الله عنها نیز مکرّر به زیارت قبر عمویش



مسلمانان قرار داده و آنان را بکار ناروایی واداشته است. مسلم است که چنین گفتاری ناشی از ضعف ایمان و عدم بصیرت در دین است. ۵۴

این بود، از گفتار معصومان و بزرگان دین درباره عظمت و شخصیت حضرت حمزه که ما به دست آوردیم.

حمزه می‌رفتند. پس از رحلت پیامبر ﷺ و طبق روش آن حضرت مسلمانان هم به زیارت قبر او می‌رفتند و در کنار این قبر به زیارت و عبادت می‌پرداختند.

بنابراین اگر عمل شیعه در باره زیارت مشاهد ائمه و پیشوایان، دور از عقل و عملی حنبلی! باشد پس این، اسلام و رسول خدا است که راه خلاف عقل را پیش پای

● پی‌نوشتها:

- ۱- عبدالمطلب ملقب به شیبة الحمد، مردی عظیم و رفیع متصف به اوصاف حمیده و افعال پسندیده نصیح و ینیع بود قوم قریش او را قبول و با وجودش مباحث نمودند او کلیدداری خانه کعبه و پرده‌داری کعبه را هر دو که بزرگترین سمت در اسلام و قبل از اسلام به شمار می‌آوردند بوده داشته، پاسخ صریح عبدالمطلب به فرمانده لشکر ابرهه به هنگام تهاجم به مکه و نذر او در قربانی کردن یکی از فرزندانش همانند حضرت ابراهیم و کشف چاه زمزم و... بیانگر عظمت روح و ارتباط وی با عالم معنویات در سطحی فوق العاده و خارج از متعارف است.
- ۲- زید بن حارثه از نزدیکترین و صمیمی‌ترین اصحاب پیامبر است که او را به پسر خواندگی خویش پذیرفت و در جنگ موته فرماندهی لشکر را به او محول نمود و او در بین جنگ به شهادت رسید.
- ۳- حشر: ۸
- ۴- بر خلاف طبقات ابن سعد و کامل ابن اثیر و طبری فقط حمزه را به عنوان خواستگار معرفی می‌کند ولی با توجه به اینکه همه مورخان نوشته‌اند که خطبه عقد به وسیله ابوطالب ایراد گردیده و متن خطبه نیز در منابع منعکس شده است. معلوم می‌گردد او نیز به همراه حمزه در امر از دواج پیامبر دخیل بوده است.
- ۵- «و آنان که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند، برای آنها آموزش «رحمت خدا» و روزی شایسته‌ای است.» انفال: ۷۴
- ۶- «کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند، یکسان نیستند، آنها بلند مقام‌تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند.» حدید: ۱۰

- ۷- حج: ۱۹
- ۸- ج ۴، تفسیر سوره حج
- ۹- به تفسیر الدر المنثور و المیزان، تفسیر سوره حج مراجعه شود.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- عبیده بن حرث بن عبدالمطلب، پسر عموی رسول خدا است. او از شجاعان عرب و از مدافعان اسلام بود که در جنگ بدر به شهادت رسید.
- ۱۴- تفسیر فرات کوفی، ص ۲۷۱
- ۱۵- احزاب: ۲۳
- ۱۶- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۸
- ۱۷- صواغق محرقة، ص ۸۰
- ۱۸- ص: ۲۸
- ۱۹- تفسیر فرات کوفی، ص ۳۵۹، چاپ سال ۱۴۱۰ هـ. تهران.
- ۲۰- توبه: ۱۱۹
- ۲۱- مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۱، چاپ صیدا.
- ۲۲- نساء: ۶۹
- ۲۳- کنز القوائد، به نقل بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱
- ۲۴- عنکبوت: ۵ و ۶
- ۲۵- تفسیر فرات کوفی.
- ۲۶- «قالت یا رسول الله ﷺ هو سید الشهداء الذین قُتِلوا معه؟ قال بل سید شهداء الأولین و الآخرین، ما خلا الأنبیاء و الأوصیاء». مشروح و متن این حدیث را در اکمال الدین، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۳، چاپ دارالکتب الاسلامیه ملاحظه کنید.
- ۲۷- «نحن بنو عبدالمطلب سادة أهل الجنة، رسول الله و حمزة سید الشهداء...». امالی صدوق، مجلس هفتاد و دوم.
- ۲۸- امالی صدوق، مجلس هشتاد و دوم، عمده ابن عقدة ۲۸۱
- ۲۹- کافی کتاب العقیقة باب الأسماء و الکنی.
- ۳۰- خصال باب الأربعة.
- ۳۱- اصابة، ج ۱، ص ۳۵۴
- ۳۲- تفسیر امام حسن عسکری، ص ۱۷۶، چاپ ۱۳۱۴



- ۳۳- بصائر الدرجات، ص ۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۷
- ۳۴- شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۶۱
- ۳۵- انبیاء: ۴۹
- ۳۶- امالی شیخ، به نقل از بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۳
- ۳۷- وی از اصحاب امام حسن عسکری است. و کتابش، قرب الاسناد، از منابع حدیثی شیعه می باشد.
- ۳۸- قرب الإسناد، چاپ کوشانفر، ص ۳۹
- ۳۹- مشروح این سخنرانی در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۱۸۸ - ۲۱۰ آمده است.
- ۴۰- کافی، ج ۱، ص ۴۵۰
- ۴۱- نساء: ۷۰ - ۶۹
- ۴۲- عن الأصمغین نبأته قال رأيت امير المؤمنين يوم افتتح البصرة و ركب بَعْلَةَ رسول الله (ثم) قال أيها الناس ألا أخبركم بخير الخلق يوم يجمعهم الله؟ فقام إليه ابو أيوب الأنصاري فقال يا امير المؤمنين، حدّ ثنا فانك كنت تشهد و نغيب فقال ان خير الخلق يوم يجمعهم الله، سبعة من وُلِدَ عبدالمطلب لا ينكر فضلهم إلا كافر و لا يجحد به إلا جاحد، فقام عمار بن ياسر رضي الله عنه فقال يا امير المؤمنين، سيفهم لنا لعرفهم، فقال: ان خير الخلق يوم يجمعهم الله الرسل و ان افضل الرسل محمد صلى الله عليه و آله و ان افضل كل أحد بعد نبيها وصي نبيها حتى يدركه نبي ألا و ان افضل الأوصياء وصي محمد صلى الله عليه و آله ألا و ان افضل الخلق بعد الأوصياء الشهداء، ألا و ان افضل الشهداء حمزة بن عبدالمطلب و جعفر بن ابى طالب له جناحان خضيبان يطير بهما فى الجنة لم يُنخل أحد من هذه الأمة جناحان غيره شىء، كرم الله به محمداً و شرفه و السبطان الحسن و الحسين و المهدي يجعله الله من شاء منا أهل البيت ثم تلا هذه الآية ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا﴾
- ۴۳- نهج البلاغه، نامه ۲۸
- ۴۴- مشروح این مناظره در احتجاج طبرسی، ج ۱، صص ۳۳۵ - ۳۱۸؛ بحار، ج ۱۰ صص ۱۷، ۴۹، ۵۱ و ۲۹۸ - ۲۷۳
- ۴۵- مجالس طوسی به نقل بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۸۳
- ۴۶- این سخنرانی با مختصر اختلاف در متن آن، در تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۲۸؛ کامل ابن اثیر ج ۳، ص ۲۸۷؛ ارشاد مفید، ص ۲۳۴؛ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۲۵۳ و طبقات ابن سعد آمده است.
- ۴۷- امالی صدوق، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۴ و ج ۴۴، ص ۲۹۸
- ۴۸- کافی، ج ۲، ص ۳۰۸
- ۴۹- در کامل بهایی، که نفس المهموم هم از وی نقل کرده است، به جای «حضرت فاطمه» آمده است و «المهدی الذي يقتل الدجال».
- ۵۰- مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۶۹

- ٥١- نحل: ١٢٥
- ٥٢- تفسير عياشي، ج ٢، ص ٢٧٤
- ٥٣- خصال، ابواب الستة
- ٥٤- الفصول المختارة، ج ١، ص ٨٤ و بحار الأنوار، ج ١٠، ص ٤٤٢